

زن در ایران  
زندگی، آزادی و  
جان و تن است

# بیداری

ماهنامه ی شماره ی ۱۳۳ کانون خردمداری ایرانیان  
سال بیست و دوم - آبان ماه ۲۵۸۱ ایرانی - ۱۴۰۱ عربی

حال دانستم  
چرا ایران ما  
نامش زن است

## درود بر دختران مبارز و دلاور ایران

### کاوه آینده ایران زن است

فریدون مشیری

تا شورای هماهنگی و رهنمایی در بیرون از  
کشور تشکیل نشود ما جز از دست دادن جان  
جوانان غیور میهن نتیجه ای نخواهیم گرفت

اسماعیل وفا یغمائی

#### در سوگ مهسا امینی

تسلیت به ایران، تسلیت به کردستان، تسلیت به بانوان و تسلیت به خانواده مهسا که در عنفوان جوانی بدست آخوندهای پست آدم کش از نعمت زندگی محروم شد.

مانده در رویه ۳

ناصر شاهین پر

#### تاریخ چه بر سر زن ایرانی آورد

انسان از آغاز با جنس زن چگونه اندیشید و چگونه رابطه برقرار کرد؟ اگر دقت کنیم می بینیم بزرگترین عامل ترقی و یا عقب ماندگی هر جامعه ای زنان آن جامعه است.

مانده در رویه ۶

در زمان باستان، زمانی که هنوز شهر نشینی آغاز

## حامد عبدالصمد

## چه اشتباهی رخ داده است

شاید بتوان گفت اسلام یک تولد سخت، یک کودکی پرتلاطم، یک جوانی کوتاه ثمربخش و یک دوره ی افول طولانی و بی نشان داشته است. فیلسوف مورخ، ابن خلدون درباره عرب ها می نویسد، آن ها به دلیل طبیعت عشیره ای خود، مردمانی ویرانگر هستند و برای کارهای دستی و پیشه وری از استعداد ناچیزی برخوردارند، ولی او نیروی دگرگون کننده ی اسلام را که این عشاير جنگ دوست را به تمدن فرهنگ ساز تبدیل ساخته ستایش می کند.

به نظر ابن خلدون اروپا به این دلیل مجبور شد خود را از سلطه ی کلیسا آزاد سازد چون کلیسا سرسختانه علیه علم و نوآوری ایستادگی می کرد. در عوض این اسلام بود که توانست عرب های بی سواد را به فرهنگ والایی ارتقاء دهد که در سده های میانه نسبت به اروپا در حوزه های دانش زمانی برتری پیدا کرده بود.

حال این پرسش مطرح می شود که آیا واقعا دوران شکوفایی سده های میانه فقط مدیون اسلام است یا نه.

گسترش سریع اسلام چند سال پس از تولدش مدیون چندین عامل اساسی بود. قرآن به عنوان کلام مستقیم خدا، تعریف روشن از خدا، سازش تک خدایی با سنت های کهن اعراب، شریعت یهودیت، ادعای جهانی بودن اسلام و سرانجام جهاد به عنوان یک جزء لاینفک اسلام. برخورد زیرکانه اسلام این بود که (در حرف) بین عرب ها و غیر عرب هایی که به اسلام روی می آوردند فرقی قایل نمی شد.

ولی همین ارکان اساسی اسلام، یعنی قرآن، تعریف اسلام از خدا، شریعت، عرق قبيله ای، مدعی جهانی بودن و جهاد، بعدها خود بالای جان اسلام شدند. زیرا این ارکان هرگز بازاندیشی و دگرگون نشدند. این اصول عملاً برای دوران معینی برای بسیج جنگ جویان صدر اسلام که اولین پیروزی ها را بدست آوردند، کارساز بود. همچنین نباید فراموش کرد که اسلام به لحاظ تاریخی در یک برش زمانی بسیار مناسب متولد شد زیرا دو امپراطوری بزرگ ساسانیان و بیزانس (روم شرقی) از سده های میانه طی جنگ های فرسایشی یکدیگر را شدیداً تضعیف کرده بودند و به همین دلیل دو امپراطوری ساسانی و بیزانس طی زمان نسبتاً کوتاه توسط لشکر کشی های قبایل عرب فرو ریختند و بخش های بزرگی از آن ها اسلامی شدند. باید گفت که محمد در زمان حیات اش هیچ کوششی برای تصرف این دو امپراطوری نکرد. او فقط یک بار باسی هزار جنگجو تا مرزهای بیزانس رفت و بدون درگیری بازگشت. این عمل بیشتر برای نشان دادن قدرت به قبایل عربی بود که هنوز مسلمان نشده

بودند. و پس از برگشت محمد و لشگرش از مرزهای بیزانس، قبایل عرب این گونه برداشت کردند که محمد بر امپراطوری بیزانس پیروز شده و برگشته و پس از آن بود که آن ها هم به سپاه محمد پیوستند.

تا زمان مرگ محمد قوانین اسلامی (شریعت) و مقررات جهاد هنوز مشخص و تعیین نشده بود، ده سال پس از مرگ او، اولین قرآن به صورت کتبی تهیه شد و این جانشین های محمد بودند که با سرعتی سرسام آور مناطق پیرامون عربستان را زیر کنترل خود درآوردند. آن ها بودند که قرآن را به معجزه ای مقدس تبدیل کردند و جهاد و شریعت را تفسیر نمودند تا سازگار با استراتژی های حاکمیت و فتوحات شان باشد. کمتر از صد سال پس از مرگ محمد تقریباً همه ی خاور نزدیک، آفریقای شمالی و اندولس (جنوب اسپانیا) در دست مسلمانان افتاد.

آمیزش اعراب با فرهنگ های ریشه دار تکان بزرگی در عرصه مدرنیزاسیون در خاور نزدیک به وجود آورد. ابن سینا، فارابی، خوارزمی، یوحناالدمشقی، ابن رشد و موسا بن میمون یعنی قهرمانان اصلی این فرایند اصلاً عرب نبودند محمد هرگز معجزه ای نکرد و شهید هم نشد بلکه بر اثر تب مرد.

مسلمانان نمی توانستند در بحث ها و مجادلات خود، محمد را همسان مسیح به اثبات برسانند (که مسیح معجزه داشت و محمد نداشت). این نقش به تدریج به قرآن به عنوان معجزه ی محمد داده شد.

## باورهای متعالی تر سرخپوستان از ادیان خدا دار

- ۱- ما جزیی از طبیعت هستیم، نه رئیس آن
- ۲- ما هیچ گاه گیاهی را با ریشه از خاک نمی کنیم.
- ۳- ما موقع ساختن خانه، خاک را زیاد جا به جا نمی کنیم
- ۴- ما در فصل بهار آرام روی زمین قدم می گذاریم چون مادر طبیعت باردار است
- ۵- ما هرگز به درختان آسیب نمی رسانیم. ما فقط درختان خشک و پیر را قطع می کنیم و پیش از قطع کردن برای آرامش روح آن ها دعا می کنیم
- ۶- حتی حیواناتی را که برای مایحتاج غذایی استفاده می کنیم نیز با اجازه و دعا برای آرامش روحش از چرخه هستی جدا می کنیم
- ۷- به اندازه مصرف مان درخت می بریم و گوشت تهیه می کنیم
- ۸- هرگز هیزم را اسراف نمی کنیم
- ۹- اگر حتی یک درخت جوان و سرسبز را قطع کنیم، همه درختان جنگل اشک می ریزند
- ۱۰- خاک مادر ما و آسمان پدر ما است
- ۱۱- باران عاشقانه ترین سرود هستی است
- ۱۲- طبیعت روح دارد و مهربانی را می فهمد

## در سوگ مهسا امینی

مانده از رویه ی نخست

داستان غم انگیز مهسا و هزاران دختر و پسر جوان دیگر مرا به یاد چهل و چهار سال پیش می اندازد که بر اثر مسمومیت تاریخی ما، بر اثر اشتباهات نه چندان بزرگ و بر اثر حوادث سیاسی درون کشور و دشمنان خارجی این سیستم آخوندی بر عرصه حکومت نشست و شد آن چه نباید می شد.

مهسا با آن همه نجابت و شرافت که می خواست از حق انسانی و قانونی خودش بهره بگیرد و به دیدار عزیزانش از کردستان به تهران برود قربانی رذالت یک حکومت پست و پلید قرار گرفت و جان شیرین اش را از دست داد. از نخستین روزهایی که پای خمینی به ایران رسید ماشین کشتار، ماشین سرکوب، ماشین جنایت ابتدا با رگبار بستن بر پیکر افسران ایرانی بدون داشتن وکیل و محاکمه به کار افتاد و پس از آن ها نوبت به گروه های سیاسی رسید، گروه هایی که بسیاری از آن ها در برآمدن این حکومت همراهی کرده بودند، سپس در همان موقع نوبت کردستان رسید بعداً ترکمن صحرا و به ترتیب کشتن فدایی و مجاهد و توده ای و مشروطه خواهان شد.

مهسا یک قطره خون در ادامه جاده ای است که در ظرف ۴۳ سال پر از اجساد ملت مظلوم و شریف ایران است.

از دختران نوجوان تا زنان و مردان کهنسال که آماج ستم و رگبار گلوله های این رژیم جنایتکار شدند تقریباً خانواده ای در ایران نیست که کشته ای بر این جاده ۴۳ ساله نداده باشد.

زیادی این کشته ها به اضافه غارت های بزرگ از سرمایه های ملی، به فحشا کشاندن زنان نان آور، گرفتاری های عدیده مردم و بسیاری حوادث درد آور دیگر چشمان ما را به این فجایع عادت داده است و آن ها از خون ملت ایران به راحتی تغذیه می کنند و شرم ندارند.

در همین اواخر، کشتار مردم را در جنبش سبز دیدید، کشتار مردم را در سال ۹۸ دیدید، اضافه بر شهرها روستای کوچکی نبود که پس از آمدن خمینی چند کشته نداشته باشد من بارها گفته ام و تاکید می کنم تا این ها هستند و تا تفکر اسلامی حاکم بر مردم است و تاسیستم غارت کار می کند بسا مهساهای دیگر که امروز زنده اند در آینده قربانی دیگری بدست این حکومت به دور از انسانیت گردند.

در عین داغ بر دل بودن از مرگ باید بدانیم اگر این حکومت باقی بماند تا روزی که هست تیغ بر گلو و گردن زن و مرد ایرانی خواهد نشست.

آخوندها در میهن ما هیچ گاه درد ایران و ایرانی را بر دل ندارند. این ها ادامه همان اشغالگران پلیدی هستند که وقتی دولت ساسانی فروریخت قرن های قرن از ایران کنیز و غلام بردند، به مردم ما مالیات بستند، از ملت جزیه گرفتند و هر جا خواستند به نوامیس مردم تجاوز کردند و

سرانجام در قرن نهم و دهم هجری برابر چهاردهم یا پانزدهم میلادی سر و کله آخوندهای شیعه پدیدار شد و اجداد خمینی و خامنه ای از جبل عامل لبنان و از بحرین به ایران آمدند، کسانی که در آن روزگار زبان فارسی هم نمی دانستند ولی همان ها دین و قوانین عقب مانده و ضد انسانی خود را با زور و نیرنگ تحمیل مردم ساده دل ما کردند و باعث از دست دادن شهرها و استان هایی از پر برکت ترین نقاط ایران گردیدند.

آخوندها به اشکال گوناگون دست به تاراج منابع و سرمایه های ایران زده اند و تا زمانی که در حکومت باقی بمانند نه تنها تیغ بر گلوئی زن ایرانی دارند تیغ بر دریاها، خلیج ها و رودها، جنگل ها و هر چه سرمایه ملی ما است خواهند گذارد. تا یک جنبش ملی این کتافات عمامه به سر را از خاک ایران پاک نکنند مطمئن باشید هفته دیگر، ماه دیگر و زمان دیگر باز شاهد خواهیم بود مردم آماج رگبار گلوله های مزدوران آن ها شوند.

این همه می گویند حکومت پهلوی هم می کشت. تعداد کشته گان ۵۷ ساله آن رژیم را با کشته گان یک سال این رژیم مقایسه کنید. قصدم دفاع از این یا آن حکومت نیست قصدم بیان واقعیت است. آخوندها در موج خون غسل خون گرفته اند و ضوی خون گرفته اند. ریش و عمامه آخوندها هم به خون مردم ایران آلوده است و برایشان اصلا مهم نیست. به این بیندیشیم که چرا ما علیرغم این حکومت جنایت بار و پست و پلید بخصوص در خارج از کشور که امکان اتحاد هست، هنوز دست اتحاد بهم نداده ایم. حول میهن مشترک و درد مشترک، دشمن مشترک، فرهنگ مشترکی که اقوام ایرانی با هم ساخته اند و فقط بسنده می کنیم به دادن اطلاعاتیه و اعلامیه و ایراد گرفتن و اظهار تاسف. ما مسئولیم، ما مسئول عدم اتحاد علیه خودمان هستیم ما مسئول دشمن کامی علیه خودمان هستیم. ما مسئول خون مهساها هستیم وقتی دست اتحاد بهم نمی دهیم. زیرا اگر متحد بودیم و منم منم ها را کنار گذاشته بودیم اگر در طی ۴۳ سال رسیده بودیم به این نقطه که باید به ایران اندیشید به ملت ایران، به درد مشترک و به میهن مشترک اندیشید. اکنون صدای ما هزار بار نیرومندتر از این بود در دفاع از ملت مان.

آخوند، ایدئولوژی آخوند، خدای آخوند، پیامبر آخوند، امام آخوند، نه تنها تاریخ ما را طی چهارده قرن مسموم کرد بلکه ۴۳ سال است امکان حیات را از سه نسل گرفته است. زندگی کردن اولین حق هر انسان است. حق زندگی را از ما یک مشت اراذل و اوباش نجاست بر سر گرفته اند، حق لبخند زدن را از ما گرفته اند، حق این را از ما گرفته اند که خواهران و مادران ما گوشه ای از موی خود را بیرون بگذارند. برای اینکه از آسمان هفتم خدای آخوند عصبانی می شود و برای اینکه فلان کسک در قرن ها قبل آیه نازل کرده که زن ها باید این طوری لباس بپوشند واقعا شرم آور است، واقعا آدم بیش از جنایات خامنه ای و خمینی از این رنج می برد که چرا ما این را نمی فهمیم، چرا احساس درد و مسئولیت نمی کنیم، چرا شورش نمی کنیم، چرا احساس نمی کنیم که ما اهل

مهندس فرهنگ م- فرانسه تیترا از بیداری است

دکتر بهرام وزرا

## به مناسبت آمدن آیت الله قاتل به آمریکا

از ۱۰ مرداد تا ۳ شهریور ۱۳۸۸ ده ها نفر از معترضان به انتخابات ریاست جمهوری دهم در چهار جلسه پی در پی به طور دستجمعی محاکمه شدند در این دادگاه دو جوان به نام های آرش رحمانی پور و محمد رضا علی زمانی هم محاکمه شدند که اتهام شان برنامه ریزی برای اقدامات مسلحانه بود. این دو جوان در بهمن ۸۸ اعدام شدند. هر دوی آن ها پیش از انتخابات دستگیر شده بودند و کارشان ربطی به انتخابات نداشت. اما ابراهیم رئیسی که معاون اول قوه قضائیه و مسئول اعدام ها بود بعد از اعدام آن دو جوان گفت آنها «قطعا در جریان آشوب های اخیر دستگیر شده اند! که دروغ می گفت و این موضوع بعد از محاکمه آن ها مشخص شد که آن دو یکی در فروردین و دیگری در اردیبهشت ۸۸ دستگیر شده بودند و کارشان هیچ ربطی به انتخابات و اعتراضات مردان- شهرپور نداشت.

اندکی پس از اعدام ها حتا محمد جواد لاریجانی رئیس ستاد حقوق بشر قوه قضائیه در گفتگو با سی. ان. ان در ۱۲ بهمن ۸۸ اذعان کرد که این دو نفر ماه ها قبل از انتخابات دستگیر شده بودند، ولی هنوز ابراهیم رئیسی بر سر حرف خود اصرار داشت که آن ها در جریان آشوب های اخیر دستگیر شده اند. (آیت اله قاتلی که به راحتی دروغ می گوید). او در طول زندگی پر از شرارت خویش از این خطاها و اعدام ها کم نداشته است.

مهم ترین پرونده ای که نام رئیسی در آنجا مطرح می شود عبارتست از ماجرای اعدام های وحشتناک سال ۱۳۶۷ که در قم توسط منتظری با یک نوار ویدئویی منتشر گردید و آبرویی برای این آخوند بی سواد پررو باقی نگذاشت. آخوند رئیسی از روز آغاز و حتا از یک یا دو روز پس از آن که با منتظری ملاقات داشت، نامش آخوندی بی خاصیت، خونسرد، دروغگو و فریبکار بود که پس از مرگش هم به زودی به فراموشی رفت.

**عکسی بود که ماموران سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در خیابان به نماز دست جمعی ایستاده بودند. عکاس زیر عکس نوشته بود، کشتن جوانان چرا نماز را باطل نمی کند، اما یک باد کوچک نماز را باطل و عرش را می لرزاند!**

## مهر زیادی الله نسبت به محمد

(داخل پرانتزها از ما است)

ای پیامبر ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته ای برای تو حلال کردیم - سوره احزاب آیه ۳۳. و هم چنین کنیزانی را که از راه غنایم جنگی که خدا به تو بخشیده است، و هم چنین دختر عموهایت، دختر عمه هایت، دختر دایی هایت، دختر خاله هایت (بی دلیل نیست محمد ابن عبدالله می گوید، خداوند مهربان است) اضافه بر این ها، هرگاه زنی با ایمان آمد جلوه خودش را به تو پیامبر من هدیه بدهد و البته درخواست مهریه نکند، می توانی او را هم به همسری بگیری. البته چنین ازدواجی فقط برای تو مجاز است نه دیگر مومنان. ما می دانیم برای دیگران چه قانونی بگذاریم. (محمد جان شما خودت را برای دیگران ناراحت نکن، فقط به فکر خودت باش) و این بخاطر آن است که مشکلی بر تو نباشد (حتما تنها مشکل این پیامبر خدا همین موضوع بوده که خداوند هم به راستی دست و دلبازی فراوانی خرجش کرده) و در پایان آیه اش می فرماید، و خداوند آمرزنده و مهربان است. (خودش خودش را مهربان می نامد!) (تخیر اگر فکر می کنید نگرانی های خداوند برای رختخواب پیامبرش تمام شده اشتباه می کنید در آیه ۵۲ داستان ادامه پیدا می کند و می فرماید) موعد هر یک از همسرانت را بخواهی می توانی به تاخیر بیندازی و هر کدام را دلت خواست نزد خود جای دهی! و هرگاه بعضی از آنان را که بر کنار ساخته ای بخواهی نزد خود بخوانی گناهی بر تو نیست (خداوند بخشنده ی مهربان به راحتی از کیسه خلیفه گری اش زنان را به پیامبرش می بخشد و می بخشد). (اینجا مثل اینکه می ترسد زنان زیادی برای قلب پیامبرش خوب نباشد فوری ترمز دستی را می کشد و می گوید) بعد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست! و نمی توانی همسرانت را به همسرانی دیگر تبدیل کنی (پیامبرش را خوب می شناخته!) هر چند جمال آن ها مورد توجه تو واقع شود (دلش نمی آید این همه سخت گیری کند و دل پیامبرش را بشکند که می گوید) مگر آن چه که به صورت کنیز در ملک تو آید و خداوند ناظر و مراقب هر چیز است (یعنی فکر نکنی که سر من کلاه بگذاری من حواسم جمع است). (مهر الله نسبت به پیامبرش پایان ندارد ادامه می دهد) در شماره آینده...

**از مادری به نام نادانی فرزندی به نام ایمان زاییده می شود.**

جرمی تیلور

## کورث سلیمانی

## اگر و مگرهای تورات

## ادامه شاهکارهای یعقوب پیامبر و خدای او

■ در تورات می خوانیم حضرت یعقوب برای بیشتر کردن «حرارت جنسی» گوسفندان روشی را ارائه می دهد. پرسش این است پس چرا دامداران کشورهای پیشرفته غربی و مسیحی ها و یا خود اسرائیلی ها از این شیوه که حضرت یعقوب برای آن ها از خود باقی گذاشته استفاده نمی کنند.

■ حالا که پس از عمری به یاد خداوند افتادیم بد نیست از خود ایشان پرسیم چرا دستگاه فرزند سازی پروردگار عالم حساب و کتاب درستی ندارد، به طوری که به آدم و حوا فقط دو فرزند پسر داده که یکی از آن ها هم توسط برادرش کشته می شود. به حضرت نوح با نهصد سال عمر فقط سه پسر عطا می فرماید. ابراهیم و سارا را آخر عمری زورکی دو پسر می دهد. به اسحاق پیامبر دیگرش دو پسر می دهد که یکی از آن ها قیافه آدم نداشته، پشمالو و سرخ فام بوده. به یعقوب که می رسد در رحمت الهی اش باز می شود او را پدر دوازده پسر و یک دختر می کند. اصولاً در کدام کار پروردگار عالم نظم و ترتیبی دیده ایم که در این یکی ببینیم؟ حتماً نمی دانسته من مورا از ماست بیرون می کشم و کارم روشنگری از صغیر و کبیر است!

■ به بحث شیرین کشتی گرفتن یعقوب با خدا می رسم که شرح کامل اش را باید در خود کتاب آسمانی تورات بخوانید. نمی دانم این پرسش را از که بپرسم، خودش که اصلاً محل نمی گذارد و جواب نمی دهد، یکی بگوید چطور ممکن است این خداوند خالق زمین و آسمان، و سازنده کهکشان ها و منظومه ها فرمان کنترل جهان را رها کند بیاید روی زمین و تمام شب تا صبح را با پیامبر خودش کشتی بگیرد آخر سر هم شکست بخورد و سرشکسته برگردد به آسمان! غیر یهودی های گرامی اگر به این داستان شگفت آور و شیرین شک دارید خودتان بروید در تورات فصل سی و دوم برشیت آن را بخوانید و از تعجب دوتا شاخ در آورید...!

■ در داستان پر ماجرای کشتی گرفتن یعقوب پیامبر که با پیروزی بر خدایش همراه بود چند پرسش پیش می آید، چرا پیامبر خدانشناس، در هنگام کشتی گرفتن خدا را نشناخته و احترامات لازم را به جا نیاورده و در برابرش لنگ نینداخته و به سجده نیفتاده است؟

■ چرا ترجمه کنندگان تورات مجبور به تفسیر و گزارش مسابقه شده اند مگر خداوند خودش قادر متعادل نبوده که منظورش را از این کار بگوید و به گوش همگان برساند و اذعان کند که در کشتی جام دو نفره بین زمین و آسمان، کشتی گیر آسمان با آن همه عظمت و دبدبه و کبکبه سخت

شکست خورده است.

■ پرسش آخر در مورد این کشتی هیجان آور این است که هیچ گزارشگر و مفسر توراتی ننوشته کشتی بین این دو موجود، کشتی آزاد بوده یا فرنگی و یا از نوع کچ و کاراته؟ و توضیحی داده نشده که خدا و پیامبرش فوت و فن کشتی را از کدام مربی یا ملت آموخته اند. به احتمال زیاد پیش بینی می شود مربی ایرانی داشته اند که باعث شده خدا از یعقوب شکست بخورد!

■ چرا در کتاب های آسمانی دیگر در ماجرای کشتی خدا و یعقوب دستکاری کرده و «فرشته» را جای نام خدا گذاشته اند؟

■ چرا خداوند بعد از اینکه شب تا صبح با یعقوب کشتی می گرفته اسم حریفش یعقوب را نمی دانسته و از او می پرسد نام جنابعالی! و یعقوب هم که پیامبر عظیم الشانی بوده چطور خدایش را نمی شناخته و خدا هم از خدا خواسته صدایش را در نمی آورد که خود خدا است!

■ و سرانجام چرا خداوند پس از شکست خوردن از یعقوب از او می خواهد نامش را از «یعقوب» به «اسراییل» عوض کند. اسراییل هم شد اسم؟ که حالا پیروان آخرین پیامبر همان خدا اجازه ندارند با پهلوانان اسراییل کشتی بگیرند، عجب این دستگاه آسمانی به هم ریخته است و از عهده امور زمینی بر نمی آید.

## امامان معصوم!

در کتاب کافی جلد هفتم ص ۱۲۰ می خوانیم- فقال از اولیناهم ضربناهم بالشوط فان انتهوا والا ضربناهم علیه بالیف- از امام باقر معصوم و مظلوم است. «اگر حکومت را ما بدست بگیریم، با تازیانه مردم را می زنیم و آن ها را وادار به پذیرش فرمان خدا می کنیم و اگر هم تازیانه جواب نداد با شمشیر بر آن ها ضربه می زنیم».

بلی این ها امامان معصوم و مظلوم اند که سخنانشان برای ما در کتب اسلامی باقی مانده است. سید علی خامنه ای و سایر جانوران رژیم اسلامی هم بازماندگان همان امامان اند، پیروان و جانشینان همان امامان اند.

پس تقصیر را فقط گردن سید علی نیندازیم. سید علی فقط یک مجری است، مجری سخنان امامان معصوم و مظلوم که برآمده از آیات قرآن است به اجرا می گذارد. کشتن مهسا امینی نیز دقیقاً اجرای فرامین امامان معصوم و مظلوم بوده و رژیم اسلامی مجری اوامر است و نه بیشتر.

## ج- ل

با پوزش از نویسنده مقاله «کنیز» آقای «امیر حسین خنجی» که در شماره پیش نامش از قلم افتاده بود.

## تاریخ چه بر سر زن ایرانی آورد

مانده از رویه ۱

نشده بود، در تمام جوامع بشری مادر سالاری بود، زن سالاری بود. زن بزرگ خانواده بود، چون مرد صبح برای جمع آوری ارتزاق از خانه بیرون می رفت و سایر امور خانه بدست زنان بود. در زمان کشاورزی هم کار مرد کشت کردن و جمع آوری محصول و یا شکار کردن و شبانی بود.

این مادر سالاری جایش را زمانی به پدر سالاری داد که جوامع آرام آرام روی به شهر نشینی داشتند، شهرک های کوچک به وجود می آمد و این شهرک ها مورد تجاوز و غارت قبایل دیگر قرار می گرفت، بنابراین مردان وظیفه دفاع از خانه و شهر خود را به عهده گرفتند.

از زمانی که مردان عهده دار این مطلب شدند، آرام آرام مقام مرد و زن در خانواده و سپس در جامعه تغییر کرد و مرد سالاری به وجود آمد.

به تدریج می بینیم که زن قدرت و اهمیت خودش را از دست می دهد. اگر چه در آغاز این راه در دوره هخامنشیان زن ها حقوقی برابر با مردها داشته اند که از الواح آپادانا لوح هایی باقی مانده نشان می دهد یک کارگاهی که تا هفتاد، هشتاد نفر در آن کار می کردند رئیس کارگاه یک زن بوده است و حقوق این زن با حقوق مردی که در کارگاه دیگری رئیس بود مساوی بوده است. باز در همین الواح می بینیم اگر زنی کار می کرده و حقوق می گرفته و در این زمان حامله می شده دوماه پیش از زایمان تا سه ماه پس از زایمان به مرخصی می رفته و حقوق می گرفته. اکنون پس از سه ماه برمی گردد سر کار، و در محل کار محلی دارند برای نگهداری از نوزادان که کهنه آن ها را عوض می کنند تا ساعت مادر برای شیر دادن به فرزند به آن «نرسینگ» برود.

در اسناد مکتوبی که داریم می بینیم اگر چه آن مادرشاهی و مادر سالاری از بین رفته است ولی زن ها هنوز در جامعه احترام خود را دارا هستند. رفته رفته به خاطر روابط گسترده تر بین المللی و با پیدا شدن مشاغل مانند کارهای دولتی، سپاهی گری، و امور دیوانی که به دست مردان افتاد قدرت مردها آرام آرام بالا می رود و قدرت زن پائین می ماند.

این داستان پائین آمدن قدرت زن در جامعه به دوره ساسانیان می رسد که در این دوره در مقایسه با زن امروزی خیلی بهتر و شرافتمندانه تر بوده است. به طوری که نیمی از ایزدان «خدایان» ایرانی زن هستند. در میان دوازده ایزد نامدار شش تایشان زن است و این خود یک تساوی حقوقی برای زنان بوده است.

ما در دوره ساسانی نشانه های زیادی داریم از تجارت زنان و قوانینی داریم که می گوید شوهر وظیفه دارد به تجارت زنش کمک کند و باز قوانینی داریم اگر یک زن و شوهر از هم جدا شوند هنوز مرد متعهد به رسیدگی امور مالی همسر سابق خویش است، این ها نمونه های از

قوانین مدنی است که به یاری زنان آمده است.

در کنار این قوانین مدنی است که قوانین دینی پیدا می شوند، قوانین دینی که می گوید زن در حالت قاعدگی نجس است، ناپاک است و در این زمان نباید او دیده شود و یک هفته او را در اتاقی تنها حبس می کنند و غذایش را می گذارند پشت در.

مقام زن ها بدست قوانین دینی آرام آرام پائین و پائین تر می آید. این دین به شوهر زن حق می دهد اگر زنش فقط دختر می زاید با زن دیگری که فقط پسر می زاید هم بستر شود و یا مرد می تواند زنش را یک ماه قرض بدهد به مردی که پیوسته پسر می آورد.

این قوانین به ما می گوید داستان زندگی زنان ما در حدود ۱۳۰۰ سال پیش به گونه ای دیگر بوده است و هر جامعه ای در هر زمانی به گونه خودش زندگی می کرده. باز در همین جامعه ساسانی دو تا پادشاه زن به وجود می آید. و در جوامع دیگر مانند قبایل سکایی، قبایل ترک و دیگران رهبران زن بوده است، رهبر و سپهسالاران زن بوده است. بروید ببینید کورش در میدان جنگ به دست چه کسی کشته می شود، کورش بدست یک زن کشته می شود! در شاهنامه می بینیم زنان لباس رزم می پوشند و در کنار مردان در جنگ ها می جنگند یعنی فاصله بین مرد و زن هنوز آن قدر زیاد نیست تا اینکه اسلام وارد ایران می شود. اسلامی که از نظر اقتصادی، زن برایش نان خور زیادی است! خانواده عرب صحرانشین فرزند پسر می خواست، یکی اینکه برایش کار کند، دوم اینکه برایش بجگند، بنابراین وقتی فرزند دختر برایشان بوجود می آمد او را به چشم یک نان خور اضافی می دیدند.

یک چنین جامعه ای که می تواند نوزاد دخترش را بیندازد داخل چاله و خاک رویش بریزد قوانین وضع می کند که قرار است این قوانین تا آخر زمان بیخ گلوی پیروان این دیانت را بگیرد. در سوی دیگر و در ایران زمان مادرشاهی هرگز تعدد زوجات وجود نداشت (پس از آمدن اسلام به ایران) ما شاهانی پیدا می کنیم که به تعداد روزهای سال زن داشتند یعنی ۳۶۵ زن! ما شاهانی داشتیم که در طول سلطنت شان با هزار زن ازدواج کرده اند (از برکت سر اسلام وارداتی).

این ازدواج ها از بیخ و بن جامعه را تغییر داد. واژه حرم از سوی ایرانیان به دنیا رفت و معروف شد.

تا اواخر قرن نوزدهم این تعدد زوجات در ایران و سایر کشورهای اسلامی وجود داشت و به همراه این فرهنگ می بینیم برایش افسانه آفرینش می نویسند که خداوند زن را از دنده چپ مرد آفرید و این (دروغ) بشود جزو یک اصل مهم فرهنگی در هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام، که زن عنصری است پست تر و پایین تر از مرد. در یهودیت که زن به مثابه شیطان قلمداد می شود، موجود و سوسه انگیزی است که سبب گناه می گردد و در جامعه اسلامی زن تحریک کننده مرد تعریف می شود.

زنان ایرانی از درون حرم سراهای آزاد شده یک مرتبه به این درجه از ترقی رسیدند.

این چه بصیرتی بود، این چه عقلی بود، که ما قدر نیمی از جامعه خود را نمی دانستیم و چقدر استعدادهای فوق العاده ای را در طول تاریخ به خاطر نادیده گرفتن حق آزادی، نیمی از جمعیت کشور از دست داده بودیم. و این موجود ارزشمند را زاییده ی دنده شیطان می پنداشتیم، او را ام الهوس می نامیدیم... اگر خوب دقت کنیم آن کشورها که به پیشرفت های بزرگی رسیده اند کشورهایی هستند که از مجموعه فکر زنان و مردان شان برای کشور خود بهره گرفته اند و لاغیر...

## دکتر احمد ایرانی

### دین ملی ژاپن

«شین توگرایی» دین ملی ژاپن، آئین بومی این سرزمین به شمار می آید بنا بر اصول این دین، سرزمین و مردم ژاپن را خدایان آفریده اند. بزرگترین و نیرومندترین خدا «الاهه خورشید» است و امپراتور ژاپن فرزند این الاهه می باشد. امپراتور خود یکی از خدایان به شمار می رود و به همین دلیل پرستیدنی و مقدس است.

«شین توگرایی» نوعی «طبیعت پرستی» است، روح گیاهان، جانوران و روح تمامی پدیده های دیگر طبیعی مقدس و پرستیدنی است. در این دین از دنیای دیگر، جاودانگی روح و اندیشه های مربوط به رستگاری و رهایی سخن چندان به میان نیامده است.

این دین به شدت مورد توجه فرمان روایان و حاکمان واقع شد و به دین ملی و بومی کشور تبدیل گردید. زیرا بنا بر آموزش های دینی امپراتور مقام خدایی و آسمانی داشت و فرمان هایش باید بی چون و چرا اجرا شوند. بعد از شکست دولت ژاپن در جنگ جهانی دوم شین توگرایی به میزان زیادی برچیده شد و امپراتور از مقام خدایی به مقام تشریفاتی تبدیل شد. بسیاری از مردم شناسان، جامعه شناسان، دین شناسان و روان شناسان که بی توجه به گرایش های دینی هستند و فقط با تکیه بر روش های علمی، تاریخی به بررسی و پژوهش درباره چگونگی پیدایش و تکامل دین ها و مذهب های روی کره زمین پرداخته اند به این نتیجه رسیده اند که دین خاستگاه آن جهانی و پراز رمز و راز ندارد.

سرچشمه پیدایش باور داشت های دینی، فکر و اندیشه انسان است و در مجموع پدیده دین فرآورده یا ارمان جامعه ها، قوم ها و تمدن های گوناگون بوده است.

حتا در آغاز اسلام هم چنین چیزهایی نبوده، زن به جنگ می رفته و در همه جا حضور داشته اما متوکلین دین برای ایجاد پایگاه قرص و محکم برای خودشان این قوانین را برقرار کرده و توانستند نیمی از جامعه را از صحنه زندگی حذف کنند.

شما اگر سیاحت نامه های اروپایی ها را در دوره صفویه درباره ایران بخوانید همه چیز را درباره زن ها نوشته اند. در یکی از سفر نامه های متعدد آمده است در شهر و در طول روز حتی یک زن نمی بینید، شهر تمام در قبضه مردان است. اگر یک زن سراپا پوشیده از خیابانی رد شود شرطه خود را به او می رساند و با چوب به سر و کله اش می کوبد که چرا به تنهایی از خانه آمده ای بیرون! چون مردان فکر می کنند زن جایش در خانه است! بالاترین حد تفریح و تماشا و لذت برای زنان شاه عباس که تعداد ۶۰۰ زن داشته این بوده که آن ها سالی یکی دو بار به همراه شاه به شکارگاهی می رفتند که شاه در آنجا به شکار آهو و گوزن و گراز و گاو میش می پرداخته. در آن شکارگاه زنان از پشت پرده های پشه بند مانند به طوری که مردها آن ها را نمی دیدند شکار شاه و دیگران را می دیدند و لذت می بردند!

خطی که بین زن و مرد کشیده شده بود به این آسانی ها برطرف شدنی نبود. شاه عباس که از بقیه شاهان و اشراف روشن فکرتر، بی ایمان تر و کافرتر بوده سالی دو روز بازار اصفهان را برای خرید زن هایش اختصاص می داد. به این شکل که سالی دو روز مردان بازار اصفهان در خانه می نشستند، زن ها و دختران شان می آمدند پشت دخل مغازه تا زنان حرم شاه از بازار خرید کنند چون زنان حرم شام در طول سال حق نداشتند از خانه بیرون بروند و خرید کنند. حالا در آن دو روز که هیچ مردی در بازار نبود شاه عباس خودش می آمد تا اگر زن زیبایی نظرش را جلب کرد او را به زنان حرم خویش اضافه کند! این بازار شده بود یک محل صید زنان برای شاه مملکت.

حالا ما یک دوره کوتاه پس از مشروطیت را داریم که رضاشاه آمد و کشف حجاب کرد و مقداری مدرنیته را وارد ایران نمود و سپس بخصوص در زمان محمد رضا شاه با ایجاد قانون حمایت خانواده حقوقی برای زنان ایجاد شد که قبلا وجود نداشت، حضور زنان در عرصه امور کشور باعث یک شکوفایی بزرگ شد، یک انفجاری در جامعه زن ایرانی رخ داد که وقتی از دور به این صحنه نگاه می کنیم می بینیم یک خط سیاه باریک در تاریخ بود که یک مرتبه به یک چراغانی و انفجار نور تبدیل شد.

بینید اکنون چقدر زنان با لیاقت، زنان مشهور در ایران و سراسر دنیا پراکنده شده اند. در موسسات علمی، در دانشگاه های مشهور دنیا مانند آن دختر جوان نابغه ریاضی خانم مریم میرزاخانی و یا خانم دکتر عندانی که در اوائل دهه ۵۰ در ایران برای بیماری کشنده و با واکسن ویژه ای ساخت، کار یک تنه ای که در غرب به چند کمپانی مانند «فایزر» یا «هوخست» نیاز دارد. و ناسا سازمان فضایی آمریکا یکی از حفره های مریخ را به نام این خانم نامیده است.

ح-ع

## تصویر افراطی

## مهرا ملکی

عصر صفوی دوران رسمیت شناختن تشیع در ایران و حکومتی شدن آن بود. در آن زمان تعداد عالمان مذهب شیعه در ایران کم بود. شاه اسماعیل و جانشین اش آخوندهای شیعه را از سرزمین های عربی به ایران دعوت کردند. درباره تعداد این آخوندهای وارداتی، شیخ محمد بن حسن در کتاب خود نام بیش از یک هزار و یک صد نفر از این آخوندها را نام برده است. آن ها نه تنها سبب گسترش بیشتر خرافات مذهبی در ایران گشتند بلکه در همین دوره بود که «فقیهان شیعه ی دوازده امامی» برای نخستین بار نظریه ی «نیابت فقیهان از طرف امام زمان» را مطرح ساختند و بدین طریق به طور رسمی حکومت و سیاست با منابع غیبی پیوند داده شدند، چنان که می دانیم خمینی نیز براساس همین نظریه، حکومت اسلامی را بنیاد نهاد.

قدرت معممین در عصر صفوی به حدی افزایش یافت که دست به کشتار و آزار اقلیت های مذهبی گشودند. چنان که ملا محمد باقر مجلسی به فرمان شاه سلیمان صفوی لقب «شیخ الاسلام» را گرفته بود، او از شاه هنگام مستی حکم گرفت که تعداد زیادی از زرتشتیان و کلیمی ها و ارامنه اصفهان، که با عقاید ضاله خود به اسلام لطمه زده اند را به قتل برساند. در نتیجه بسیاری از کلیمی ها و ارامنه کشته شدند و عده زیادی نیز با پرداخت رشوه های کلان جان خود را خریدند. همین ملامحمد باقر مجلسی بود که در عصر شاه سلطان حسین صفوی کارگردان واقعی امور مملکت شده بود و بار دیگر سبب قتل و آزار بسیاری از مسیحیان و زرتشتیان گردید. به تحریک او آخرین آتشکده های زرتشتیان در اصفهان را ویران کردند و یهودیان را به اتهام جادوگری مورد اذیت و آزار شدید قرار دادند. در دوران او دانشمندان و ادبا و آزاد فکران نیز به عنوان این که مریدان افلاطون و ارسطو دو یونانی بی دین هستند دچار حد و زندان و تبعید و جلای میهن شدند.

بسیاری از مسلمانان اعم از روشنفکران مسلمان و مردم معمولی، مهم ترین دلیل عقب ماندگی کشورهای اسلامی را استعمار اروپا می دانند (مانند ایرانی ها که همه، انگلستان را باعث عقب ماندگی خود می دانند). آن ها می گویند قدرت های غربی از کشورهای ضعیف تر و یا مستعمره مانند دستمال توال استفاده می کنند و آن ها را در یک وضعیت فاجعه بار قرار می دهند و می روند بدون آن که حتا سیفون را بکشند!

طبعاً چنین درک و فهمی بازسازی و اصلاح را در این کشورها تقریباً ناممکن می سازد. این تصویر افراطی از جهان غرب نشان می دهد که بسیاری از مسلمانان درک درستی از تاریخ جزکینه ورزی ندارند. در این میان شگفت انگیز است که اکثر حاکمان جهان اسلام متحدان وفادار غرب هستند و با خرید جنگ افزارها و کمک های اقتصادی غربی ها را مورد پشتیبانی و تقویت خود قرار می دهند! و در همان حال با پشت گرمی متحدان غربی خود با مخالفان داخلی کشور خود به شدیدترین شکل برخورد می کنند. به آن ها مهر جاسوس غرب می زنند و در کتاب های درسی، غرب را عامل همه ی بدبختی ها قلمداد می کنند و مردم معمولی هم این سخن ها را باور می کنند و غرب را دشمن خود دانسته و آن ها را باعث عقب ماندگی خود می پندارند.

**در میان کشورهای جهان، بی دین ترین و بی خدا ترین کشورها سه کشور کمونیستی چین، کره شمالی و روسیه هستند که هر سه آن ها بهترین دوستان و شرکای تجاری جمهوری مذهبی و اسلامی ایران می باشند. در حالی که اسلام به صرافت می گوید با کافران معامله نکنید، ازدواج نکنید و از میان آن ها دوست انتخاب نکنید که مبادا از سفره ی کافران لقمه نانی به سفره شما وارد شود!**

**آخوندهای دزد و خائن به ایران به فرامین دینی خود هم خیانت می کنند.**

## مشکل ایران کجاست؟

مشکل ایران تنها آخوند و تحریم و اختلاس نیست.  
مشکل ایران باور مردمانی است که از قبور اعراب متجاوز به خاکشان طلب بخشش و انتظار معجزه دارند!  
مشکل ایران مردمی است که منتظر عربی هستند تا از درون چاه بیرون آید و مشکلاتشان را حل کند!  
جی - ال



## برگردان محمد خوارزمی

## دکتر حسن روشنگر

## سام هریس

## و انسان خدا را آفرید...

## نامه ای به امت مسیحی

زرتشت از یک خانواده روستایی در تاریخی نامشخص تقریباً میان سال ۵۰۰ تا ۷۰۰ پیش از میلاد به دنیا آمد. محل تولد او احتمالاً شمال شرق ایران بوده است. زرتشت جوانی با فراست و اندیشمند بود. او در بیست سالگی خانه پدر را برخلاف رسم، ترک کرد و درسی سالگی به آسمان و نزد اهورامزدا رسید و از او دستور گرفت و به پیامبری برگزیده شد، به تعبیر زرتشتی ها.

پیام مهم زرتشت نیکی و فرمانبرداری از اهورامزدا بود. او بسیار سفر کرد و در ده سال نخستین کسی به او نگرید تا گشتاسب شاه که دین او را پذیرفت. در این زمان زرتشت با خانواده ای از اطرافیان گشتاسب شاه ازدواج کرد و دین او رونق گرفت.

زرتشت در سن ۷۷ سالگی کشته می شود. از اوسه همسر، سه دختر و سه پسر باقی ماند. آیین زرتشت نخستین دین توحیدی است که به پادشاهان نیز احترام می گذارد. او کوروش را مسیح و نجات دهنده می نامد. ترویج یکتاپرستی در آن زمان که خدایان فراوانی را مردم می پرستیدند کار آسانی نبود.

زرتشت خود را پیامبری بدون داشتن امتیازی خاص نامید و پذیرش دین را به خواست خود مردم و نه به زور واگذار. اهورامزدا زرتشت نیز قربانی نمی خواهد و زور و خشونت به کار نمی برد.

کتاب گاتاهای زرتشت همه گفته های خود اوست نه گفتار خدا. کتاب اوستا در پنج بخش نوشته سایرین است که پس از زرتشت نوشته شده است. گاتاهای به زبان عوام و برای آن ها نوشته شده است و در آن از مسایل و تشریفات دینی یا از چند و چون خلقت آدم گفتگویی نیست. تنها از کار نیک به دستور و خواست اهورامزدا، کمک به نیازمندان، راستگویی، دوستی و کاشتن درختان میوه و کشاورزی می گوید.

به باور زرتشت در جهان دو نیروی متضاد بدی و خوبی، راستی و دروغ، روشنایی و تاریکی، حق و باطل، حیات و مرگ وجود دارد.

زرتشت می گوید درون هر فردی دو نوع روح متضاد و پیوسته در جنگ وجود دارد خشم و مهربانی، دوستی و دشمنی، راستگویی و دروغگویی، کینه و گذشت. در این دین انسان در انتخاب آزاد است. آرمان زرتشت به وجود آوردن اجتماعی سالم و نیک است. در این دین آتشکده نمای نیایش است.

بقیه دارد

اگر ما بخواهیم خدای کتاب مقدس (انجیل) را جدی بگیریم، او هرگز به ما این آزادی را نخواهد داد که از فرمان هایی که می پسندیم و تمایل داریم پیروی کنیم. ما حتماً نمی توانیم هیچ گونه تعدیلی در احکام جزایی ده فرمان روا داریم.

شما مسیحیان اگر فکر می کنید احکام اخلاقی بهتری از ده فرمان وجود ندارد، واقعا خواندن کتاب های دیگر دینی را به خودتان مديون هستيد. (افراد مسیحی معتقدند که ده فرمان به عنوان کلام خدا بایستی در سالن ورودی دانشگاه ها نصب گردد. و بر سر این مسئله هیاهوی بسیاری کردند اما خوشبختانه «سو پریم کورت» دادگاه عالی که بالاترین مرجع قضایی در آمریکا است در این مورد رای منفی صادر کرد).

«ماهاویرا» رهبر مذهبی غیر مسیحی با یک جمله ساده از کل اصول اخلاقی انجیل سبقت می گیرد، آن جا که می گوید «هیچ موجود زنده ای را زخمی، اذیت، خوار، برده، توهین، شکنجه و نابود نکن».

تصور کنید اگر همین یک جمله در میان ده فرمان بود چه می شد؟

مسیحیان قرن ها به نام خدا و براساس تفسیر دینی و واجب انجیل انسان ها را خوار، خفیف، برده، و به آن ها توهین می کردند و آزار و شکنجه می دادند! شما چگونه می توانید ادعا کنید که انجیل پاک ترین و شفاف ترین اعلامیه اخلاقی است که جهان از دیرباز تجربه کرده است.

شما عقیده دارید انجیل کلام خدا است ولی ما به سادگی می توانیم به سرچشمه نظم اخلاقی معقول و معتبری ببیندیشیم که نیازی به وجود خدای قانون گذار نباشد.

بزرگترین تاثیر زیان آور مذهب عبارت از تمایل آن به جدا کردن نگرانی های اخلاقی است. چرا مسیحیانی مانند شما بیشترین انرژی اخلاقی خود را صرف مخالفت باسقط جنین می کنید تا صرف جنگ با قتل عام های فجیع دنیای امروز. مثال دیگر ویروس (اچ-بی-وی) امروزه متداول ترین بیماری مقاربتی در آمریکاست و سالانه باعث مرگ نزدیک به ۵ هزار زن می شود که از سرطان رحم رنج می برند و این ویروس سالانه باعث مرگ دویست هزار نفر در دنیا می شود. امروز واکسن این بیماری که پیدا شده ولی محافظه کاران مسیحی که بیشتر در حزب جمهوریخواه هستند با برنامه تولید و تلقیح این واکسن مخالفت می کنند حتی اگر به قیمت مرگ هزاران زن در سال تمام شود.

مسعود نقره کار

## هدیان های مقدس

داستان دیوانگانی مشهور در یک تیمارستان به نام گذرگوزن ها، که در میان آن دیوانگان یکی از مشهورترین و دردسرافزین ترین پیامبران خدا وول می خورد و پرت و پلا می گوید - بیداری

امین نشسته پای پیرترین چنارگذرگوزن ها، رو به دریاچه و نیمکتی که سارا وهاجر و هلن وباربارا روی آن نشسته اند، او با صدای بلند می گوید: آهای زنان ذلیلی و مردان جلیلی زن ذلیل، دکتر فرشته منزه از عیب و نقص شما را شفا خواهد داد، اوشفاعت همه شما را خواهد کرد، او راه و رسم عبودیت را خوب می داند، دکتر فرشته به اعمال امروز و آینده و گذشته ما احاطه عملی دارد، مصالح و مفاصد ما را می داند و با ما مهربان است. من هم از دنیای او آگاه هستم و هم از آخرت اش، هم از قبل وجودش و هم از بعد وجودش! سارا تبسم بر لب، چشم به آب دریاچه دارد. این حرف ها را در وصف من هم بارها زده ای، ای امین و امانت دار دروغگویی. هاجر می خندد، امین حشری که می شود زبان اش به دروغگویی سیخ می شود!

امین با انگشتر عقیق اش ور می رود و شروع می کند، این زن عارف است. منظورش دکتر فرشته است و عرفان سبب شده است سخنی قبل از من نگوید و به سخنان من گوش کند. با همه محسنات، با صورت و سیرتی زیبا. او بنده گرمی و شایسته من است، با ایمانی راستین و دامانی پاک. او هرگز دعوی جانشینی مرا ندارد، اگر چنین کند کیفر او جهنم خواهد بود. جهنمی هولناکتر از این دوزخی که فعلا در آن مرگ را زندگی می کنیم. هراس آورتر از دارالمجانینی که گورستان روزمرگی مان شده است... صدای بلند دیوید خاموش اش می کند، چرا این قدر پرگویی می کنی مرد، تو بهتر می دانی که جای پرگویان خالی از فهم طویله خران من است. دیوید صدایش را بلندتر می کند، از صدایی که خواننده ندارد، تابلوی نقاشی که نقاشی اش ناپیدا است و کتابی که نویسنده اش را کسی شناسد، از کسی سخن بگو که با آب دهانش زخم ها درمان خواهد کرد، امین به آرامی پاسخ می دهد...

اندک کسانی هستند که راه تعیین شده را راه می کنند و شهامت حرکت به سوی یک قلمرو نوین را دارند. این انسان ها البته تاریخ ساز هستند ولی اکثر آن ها تنها می مانند و جامعه به آن ها پی نمی برد. آن ها نوآوران (بدعت گذاران) اجتماعی هستند که در طول زندگی خود ملعون واقع می شوند ولی پس از مرگشان اغلب ستایش و تایید می شوند.

در جهان اسلام، اغلب اصلاح گران دینی که برای دگرگونی تلاش کرده اند، جان و زندگی خود را در این راه هزینه کرده اند.

حامد عبدالصمد

## درسوگ مهسا امینی

مانده از رویه ۳

مسئولیت و درد نیستیم و جسد بی جان مهسا درگور نیست، در چشم انداز ماست.

و پیش از جسد مهسا هزاران هزار زن ایرانی با سینه های گلوله خورده، آن هائی که اعدام شدند، آن هائی که سرکوب شدند، در افق در برابر چشمان ما است، در کنار اجساد زنان ایرانی، اجساد برداران ماست، پدران ماست و سه نسل ما است که آخوند اجنبی کثافت، ایرانی را که مثل یک دسته گل به دامن خمینی پرتاب شد تبدیل به یک ماتمکده و جنایتکده کرد، هر روز قتل، هر روز کشتار، مردم را به جنگ کشانید، زندان ها را پر کرد، دزدید، غارت کرد. مهسا فقط یک دکمه خونین بر لباسی است که آخوند بر تن ایرانی کرده است، بنابراین به تسلیت بسنده نکنید، به دو چیز بیندیشید. به اینکه ۴۳ سال است آخوند دارد جنایت می کند و اگر بماند هست و نیست ایرانی را به باد خواهد داد و زمزمه کنید. آینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن آینه شکستن خطاست.

مسلمانان که تمام ایمانشان به تار مویی

از خرمن گیسویی بند بود اینک با دیدن

«کوهی از خرمن گیسو» در سراسر ایران

دین و باورهایشان رو به نابودی دارد

کار گیسوها از ازل پریشان کردن حال

مردان بوده است ولی این بار نوبت

پریشانی و نابود کردن ستم کاران است

## ریشه گرفتاری امروز ایران

درست است که سواد شعور نمی آورد و دانش و دانشگاه معرفت و درک به انسان نمی دهد ولی هنوز توقع هست یک انسان دانش آموخته فهم بیشتری از یک فرد ساده و بی سواد داشته باشد. افسوس که در کشور ما چنین نیست، دیدیم که پیش فراوان سطح بالای دانشگاهی زودتر از عوام الناس دور و بر خمینی را گرفتند و با او بیعت کردند آن ها همه دانش آموختگان بهترین دانشگاه های ایران و جهان بودند اگر چه بسیاری از آنان اظهار پشیمانی کردند و خود را از بدنه رژیم اسلامی جدا نمودند و مخالف آن ها شدند ولی هستند کسانی که هنوز خود را اپوزسیون رژیم نمی دانند و با طناب پوسیده مذهب خود را همراه با رژیم نگه داشته اند. تشدید اندیشه انقلاب در ایران ابتدا توسط نویسندگان اسلامی مانند دکتر سید علی اصغر حاج سید جوادی، مهندس مهدی بازرگان و آتش افروزی چون دکتر علی شریعتی آغاز شد و مورد استقبال سایر اقشار دانشگاهی و بسیاری از اساتید و معلمان چپ و اسلامی قرار گرفت و همین ها بودند که مردم غیر سیاسی را تشویق به پیوستن به صف تظاهر کنندگان و انقلابی ها می کردند و شد آن چه که در ایران آن روز ضرورتی نداشت و بر عکس باعث گرفتاری بزرگی برای ملت و کشور شد. البته برای جبران مافات مردم تلاش های بسیاری کردند ولی از آنجا که بسیاری از آن انقلابی های مسلمان به جرگه اپوزسیون نپیوستند و حتی با رژیم همکاری کرده و از مزایای آشکار و پنهان دستگاه آخوندی بهره ور شدند اپوزسیون ایران به اندازه کافی نیرو نگرفت و هر چه بافت بدست همان دانش آموختگان اسلامی پنبه شد. برای ثبت در تاریخ در این نوشته کوتاه نام و نشان تعدادی از آن ها را که شناخته تر هستند و ما آن ها را می شناسیم با دم و دستگاه مذهبی شان می نویسیم باشد که روزی پاسخگوی این انحراف و ضدیت با فرهنگ ایرانی و ادامه پشتیبانی از فرهنگ اسلامی بشوند. کوتاه سخن این که این افراد مردم خوب و ساده دل ایران را فریب داده و هنوز می دهند تا آن ها را از هویت ایرانی خود بیرون آورده و کشور را در زمره کشورهای بدبخت اسلامی نگه دارند.

نام هایی چند از این فرزندان ناخلف ایرانی را برای ما فرستاده اند که اگر کسی از آن ها با این سنجش مخالف است بما اطلاع دهد تا نامش را برداریم. هر چند برخی از آن ها ظاهراً با رژیم مخالف هستند اما اسلام را بر ایران ترجیح می دهند و آن برای ملت رها شده ایران از تعصبات مذهبی پذیرفتنی نیست. اسامی یاد شده عبارتند از:

خانم ها و آقایان حسن یوسفی اشکوری - عطاءاله مهاجرانی - عبدالعلی بازرگان - محسن کدیور - محمد برقی - حسن فرشتیان - فرزانه روستایی - سروش دباغ - محمد جواد اکبرین - صادق نمازیخواه - میثم

بادامچی - رضا بهشتی معز - طاهایا پارسا - مهدی ممکن - حسین کمالی - احمد علوی - فاطمه حقیقت جو - محمد رضا سرداری - مهدی ممکن - علی ایزدی - علی افشاری - محسن حسام مظاهری - حبیب حسینی فرد - فرید بهمنش - هادی حکیم شفایی - حسین موسویان - نیره توحیدی - رضا علیجانی - منصور فرهنگ - مهدی نوربخش - علی طهماسبی - داریوش محمد پور - یاسر میردامادی - نبی رضا عبیدی - مهدی حائری یزدی - محمد حسین حسینی جلالی - سید حسین نصر - محمد جواد شری و ناباورانه آقای ساسان کمالی که عاشق سنت های اسلامی مانند سینه زنی و مشتاق ورود زبان و فرهنگ عرب به زبان و فرهنگ پارسی است. این ها در سدی از ایرانیان عاشق اعراب و بنده «مهاجمان عرب به ایران» در بیرون از کشور هستند. بدون تردید ده ها برابر این نام ها در ایالت های گوناگون آمریکا و در کشورهای خارجی دیگر وجود دارند که پشتیبانان باطنی جمهوری اسلامی در بیرون از کشور هستند.

**در آمریکای سی و هشت مرکز اسلامی شیعه بدست این افراد ساخته شده و می چرخد. همه این مراکز ظاهراً به صورت گداخانه اداره می شوند. سایت هر کدامشان را باز کنید همان اول نوشته اند به ما کمک کنید و همانجا شماره حساب بانک گذارده اند. همین گداخانه های اسلامی مرتب هم ساختمان های خود را بزرگتر و مجلل تر می کنند. بنیاد ایمان - مرکز امام مهدی - مدرسه اسلامی مدینه العلم - بنیاد هجرت - انجمن اسلامی صبا - مرکز اسلامی الرسول - مرکز اسلامی فرزنو - مسجد الزهرا - مرکز آموزش های اسلامی اورنج کانتی - سازمان اسلامی یاسین... نمونه ای از اینگونه مراکز در کالیفرنیا هستند.**

## زن - زندگی - آزادی

مهسا را یک مامور رژیم آدم کش به  
کما نفرستاد، سکوت بی شمار زنان  
و مردان مسلمان بود که در چهل و  
سه سال مهساهای زیادی را به کما  
و گورستان فرستاد

چرا باید دختری کشته می شد تا  
ایرانیان به یاد انقلاب و آزادی بیفتند.  
آیا در چهل و سه سال گذشته کم دختر و  
پسر کشته شدند؟

بهترین راه به دست آوردن بیداری از راه پست است  
858-320-0013 bidari2@Hotmail.com

## بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

### مردمان خشمگین

چندی پیش موسسه گالوپ بر پایه بررسی خود برای سال ۲۰۲۱ و ۶ ماهه  
نخست ۲۰۲۲ رتبه بندی عصبانی ترین مردم جهان را منتشر کرد.  
براساس این رتبه بندی کشورهای اسلامی در صدر عصبی ترین مردم  
جهان قرار دارند که عملاً نشان می دهد دین اسلام در هیچ موردی در  
زندگی انسان ها سودمند نبوده و آن ها را به مدنیت و خوی ارزشمند  
انسانی نزدیک تر نکرده است.

لیست عصبانی تر بودن مردم جهان به ترتیب زیر اعلام گردیده:  
۱- لبنان ۲- ترکیه ۳- عراق ۴- ارمنستان (این یکی هم همسایه با چند  
کشور مسلمان و در ارتباط نزدیک با آن ها است) ۵- افغانستان  
۶- سیرالئون ۷- مالی ۸- اردن ۹- ایران (سپاس طبیعت را که در این  
یکی اول نیستیم و در جهان نهم شده ایم) آخرین کشورها در لیست  
گالوپ مردم استونی و فنلاند می باشند که با کمترین خشم زندگی را  
می گذرانند. آمار مشابه نیز فنلاند را شادترین مردم جهان می داند.

## تاریخ منتظر زنانه ترین انقلاب دنیا در ایران است

Prst Std  
U.S. Postage  
Paid  
San Diego, CA  
Permit No. 2129

BIDARI  
P.O. Box 22777  
San Diego CA 92192  
U.S.A.